

فرهنگ کنترل موالید در نگاه فقهی و اجتماعی^۱

فائزه عظیم زاده اردبیلی^۲

انسیه خدایی^۳

چکیده

سیاست کنترل جمعیت، شامل مجموعه برنامه‌هایی است که توسط دول غربی مطرح شده و اخیراً مورد توجه مجاری قانون‌گذاری، اجرایی و بخش عمده تبلیغات کشور قرار گرفته است. از آنجا که این طرح مخالف با سفارش‌های دین اسلام است، ضرورت دارد مباحث کنترل موالید از زاویه نگاه دینی و با توجه به ادله و متون اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. مسائل اساسی این است که آیا توصیه اسلام به کثرت جمعیت، نظر به کثرت کمی است یا کیفی؛ و دیگر این که فقهای اسلام درباره کنترل موالید چه نظری دارند و آیا اجرای این طرح در ایران با توجه به وضعیت کنونی جایز است؟ در این مقاله سعی شده است با بررسی آیات و روایات و اقوال فقهای شیعه به این سؤالات پاسخ داده شود. در نهایت این نتیجه حاصل می‌شود که توصیه اسلام به کثرت موالید، با توجه به کمیت و کیفیت قضیه است و نظریه کنترل جمعیت در ایران مورد پذیرش واقع نمی‌شود و توصیه می‌شود به جای ترغیب افراد به روش‌های جلوگیری، روش‌های تربیت صحیح آموزش داده شود تا جامعه تبدیل به جامعه‌ای قدرتمند و کارآمد شود.

واژگان کلیدی

کنترل موالید، آیات، روایات، فقه شیعه، روش‌های کنترل و مدیریت

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۷/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۸

۲- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق^۷ پردیس خاوران Azimzadeh@isuw.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) khodaei@yahoo.com^۶

مقدمه

سیاست کنترل جمعیت، ابتدا از سوی کارشناسان غربی مطرح شد، از جمله برنامه‌های این سیاست کاهش دادن جمعیت جوامع مسلمان به خصوص ایران بود که منجر به کاهش رشد جمعیت در کشور ایران شد. در حالی که این برنامه مخالف برخی مصالح ایران است و دین مبین اسلام نیز به شدت با چنین برنامه‌ای مخالف است، مجموعه بینش‌ها، ارزش‌ها و تکلیف‌ها که عناصر اصلی تشکیل‌دهنده دین اسلام هستند، در بیشتر موارد، در بردارنده رویکردی دستوری به جنبه‌های گوناگون حیات انسان است. از جمله دستورها و سفارش‌های مطرح شده در دین، مسأله تولید نسل می‌باشد. بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که اسلام در مورد آن، دیدگاه مثبتی دارد و به انحای مختلف به آن سفارش کرده است از جمله پیامبر اسلام^۶ فرموده است: «ازدواج کنید و در ازدیاد نسل بکوشید که من در روز قیامت به (کثرت) امتم مباحات می‌کنم» (محدث نوری، ۱۴۰۸ هـ ج ۱، ص ۱۴۹). البته در کنار این سفارش‌ها و توجه به مسائلی همچون تأمین معاش و تربیت فرزندان، توجه به کثرت کیفی جمعیت هم از اهمیت برخوردار است. در ابتدا لازم است به اصل سیاست کنترل موالید و اهداف پوشیده جوامع غربی اشاره‌ای شود.

سیاست کنترل موالید و اهداف آن

سیاست کنترل جمعیت مجموعه اهدافی است که بعد از جنگ جهانی دوم، توسط کشورهای غربی برنامه‌ریزی شد و با افزایش یا کاهش جمعیت ارتباط دارد. از جمله علل، اهداف و انگیزه‌های اجرای این طرح در ایران و سایر کشورهای اسلامی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- کاهش جمعیت مسلمانان

میزان فروپاشی خانواده در جوامع اسلامی به نسبت جوامع غربی بسیار پایین و در مقابل، میزان رشد جمعیت بالاست، این کاهش رشد جمعیت برای دول غربی به معنای

ضعف نیروی انسانی است «طی دهه شصت حجم نسبی جمعیت دول سرمایه‌دار سیر نزولی داشته است تا جایی که جمعیت این کشورها (اروپای غربی، ایالات متحده آمریکا و کانادا) ۱۶/۸ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌داد و این سیر نزولی به خاطر فروپاشی خانواده در این جوامع همچنان ادامه دارد» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵هـ.ص ۱۷).

دولت‌های مسلمان به‌خصوص شیعیان از دشمنان ملل غربی به حساب می‌آیند و از آن‌جا که آنان از رشد دشمن خود می‌هراسند، برای جلوگیری از افزایش مسلمانان در جهان چنین طرحی را ارائه دادند و اجرا نمودند.

۲- استراتژی جنگ

یکپارچگی مذهبی، یکی از عوامل افزایش قدرت در یک کشور محسوب می‌گردد، به‌خصوص زمانی که این عامل در کنار جمعیت لحاظ شود. جمعیتی که از این ویژگی برخوردار است، به دلیل داشتن بینش واحد، ستونی از قدرت را ایجاد می‌کند که در برابر حملات مختلف دشمن ایستادگی می‌کند. یکی از استراتژی‌های جنگ، کاهش و به عبارت دقیق‌تر کنترل جمعیت دشمنی است که از یکپارچگی مذهبی برخوردار می‌باشد و در جهان کنونی، کشور ایران از جمله کشورهایی است که این یکپارچگی را دارد و از آن‌جا که دول غربی از این وحدت اسلامی در هراسند، به انحاء مختلف، در تضعیف و کاهش جمعیت ایران می‌کوشند.

نکته مهم در خصوص کاهش جمعیت، برنامه‌ای است که استراتژیست‌های دول غربی برای مقابله با ایران در نظر گرفته‌اند؛ برژینسکی، سیاستمدار کهنه‌کار آمریکایی و مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، درخصوص تغییر جمعیت ایران قائل بود: از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بپرهیزید و گفت‌وگوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید؛ چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست»^۱.

۱- پایگاه تحلیل خبری <http://www.598.ir>

۳- بحران اقتصادی

با اجرای طرح کنترل جمعیت، ایران از نظر نیروی کار با مشکل جدی مواجه خواهد شد؛ زیرا پس از اجرای طرح، اکثر جمعیت ایران را افراد سالخورده تشکیل می‌دهند و به موازات پیر شدن جمعیت و کاهش نرخ رشد جمعیت، تولید نیز در کشور کاهش می‌یابد، در نتیجه بحران اقتصادی کشور را فرا خواهد گرفت.

۴- بحران فرهنگی و اجتماعی

زمانی که تفکر کنترل جمعیت در کشور به یک قانون تبدیل شود، تبعات فرهنگی خاصی نیز خواهد داشت. از جمله عقیم‌سازی به یک عرف مجاز تبدیل خواهد شد و سقط جنین نیز در نگاه برخی خانواده‌ها مجاز دانسته خواهد شد. به همین دلیل، جوامع غربی با شعار فرزند کمتر زندگی بهتر، و با جلوه دادن مشکلات اقتصادی - اجتماعی جامعه ایران، سعی در کاهش جمعیت ایران داشته‌اند و تا جایی پیش رفته‌اند که مردم ایران به خصوص بخش مرکزی کشور که شامل جمعیت شیعه می‌شود، به طرق مختلف اقدام به کنترل جمعیت کرده‌اند و همین امر موجب کاهش رشد جمعیت شیعه در ایران شده است؛ در حالی که چنین امری، مخالف مصالح ملی و امنیتی کشور است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، رشد جمعیت ایران بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ به ۱/۳ درصد رسیده است. بر اساس سناریوی رشد پایین جمعیت، اگر ایران به این صورت به ادامه جایگزینی جمعیتی بپردازد، در ۸۰ سال آینده جمعیت ۳۱ میلیونی را تجربه خواهد کرد که ۴۷ درصد آن را افراد سالمند بالای ۶۰ سال در بر می‌گیرد... از طرف دیگر، اکثر استان‌های حاشیه‌ای از قومیت‌ها و مذاهب مختلفی تشکیل شده‌اند که بعضاً تحت تأثیر فرهنگ‌های بیرونی مثل عربستان و... هستند و رشد جمعیتی آن‌ها تقریباً ۴ برابر استان‌های مرکزی است. به علاوه با به هم ریختن تعادل جمعیتی ممکن است در ۵۰ سال آینده بر اثر چالش‌های سیاسی، مذهب رسمی که در قانون اساسی مذهب جعفری اثنی عشری آمده است، مورد سؤال واقع شود^۱.

^۱www.۵۹۸.ir

بررسی این آمار نشان‌دهنده اجرای موفقیت‌آمیز طرح کنترل جمعیت در ایران است در حالی که سیاست‌گزاران ایرانی با بی‌توجهی کامل به چنین معضلی کاملاً مطابق برنامه جوامع غربی عمل می‌کنند و به بهانه مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه از نظرات مثبت فقهای اسلام نیز بهره می‌گیرند و ایشان هم به دلیل این‌که کارشناسان و افراد خبره تشخیص داده‌اند، حکم به جواز کنترل جمعیت می‌دهند. همان‌طور که ذکر شد، از اهداف پنهان چنین طرحی رسیدن به همین مرحله از کاهش است؛ پس ضرورت دارد مسئولان با نگاهی هوشمندانه به این مسأله نظر کنند.

بررسی ضرورت کثرت جمعیت در ایران

در این قسمت لازم است به بررسی سخنان مقام معظم رهبری در این زمینه بپردازیم ایشان در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۶/۰۵/۱۳۹۰ فرموده‌اند: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که دارد، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیت. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از ۱۵۰ میلیون انجام بگیرد»^۱.

ایشان در جایی دیگر بیان داشته‌اند: «ما بر اساس برنامه‌ای که داریم، می‌توانیم تا ۱۰۰ میلیون نفر را اداره کنیم؛ بنابراین فرزندان نسل جدید نیازی نیست که خود را برای کنترل موالید به زحمت بیندازند» (همان‌جا).

مقام معظم رهبری در بیاناتشان به امکانات کشور برای ۱۵۰ میلیون نفر و اداره کردن ۱۰۰ میلیون نفر اشاره کرده‌اند؛ این نکته ظریفی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

روشن است که کشور از سرمایه‌ها، معادن و منابع بسیار خوبی بهره‌مند است و بخشی از شریان‌های اقتصادی غرب در اختیار کشور ماست. حال اگر با تدبیر صحیح از این امکانات به نحو شایسته بهره‌برداری شود، مسلماً بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی برطرف خواهد شد. بنابراین، نکته مهم برنامه‌ریزی و بهره‌برداری صحیح است

۱ - www.leader.ir

که اگر اعمال شود، نیاز به کثرت جمعیت نیز محسوس خواهد بود. امروزه مسلم است با نداشتن جمعیت کافی، رشد علم و اقتصاد و تقویت قدرت نظامی در یک کشور با مانع جدی روبرو خواهد شد؛ زیرا کثرت جمعیت از عوامل مؤثر در قدرت است. «وسعت سرزمین، کثرت جمعیت، منابع طبیعی ثروت، رشد اقتصادی، تسلیحات، علم و تکنولوژی، و موقعیت‌های حساس و ارزشمند مادی دیگر هر کدام می‌تواند در معیارهای قدرت و اختیارات، مؤثر واقع شود» (عمید زنجانی، ۱۴۲۱ هـ.ج، ص ۶۰).

بنابراین، کثرت جمعیت می‌تواند رابطه نزدیکی با پیشرفت علم، اقتصاد و سیاست داشته باشد؛ زیرا بسیاری از تخصص‌های علمی، مستلزم وجود جمعیت است و گاهی در میان این جمعیت نوابغی رشد می‌کنند که موجب اقتدار مملکت می‌شوند. از طرف دیگر جمعیت بیشتر یعنی نیروی کار بیشتر و این به معنای افزایش رشد اقتصادی است. کثرت جمعیت مهم‌ترین عامل تقویت قدرت نظامی است. هرچه قدرت نظامی بالا باشد، کشور، امنیت بیشتری خواهد داشت و از آن‌جا که ایران به لحاظ سیاسی از موقعیت استراتژیک مهمی برخوردار است، کثرت جمعیت آن موجب رعب دشمنان خواهد شد. نکته بسیار مهم دیگر این است که ایران اسلامی مرکز و پایگاه تشیع در جهان اسلام است و کاهش جمعیت آن، خطری متوجه شیعه است. از طرف دیگر بخشی از ساکنان ایران را اهل سنت تشکیل می‌دهند و با تشویق‌ها و ترغیب‌هایی که از سوی وهابیت، برای افزایش جمعیت اهل تسنن، صورت گرفته است، آمار، حاکی از رشد فزاینده جمعیت اهل تسنن در استان‌های جنوبی است. بنابراین با اجرای طرح کنترل جمعیت، از میزان شیعیان کاسته شده است و ترس به هم خوردن تعادل جمعیتی در ایران و سرانجام تغییر مذهب رسمی و دگرگون شدن قوانین و در نهایت ضعیف شدن شیعیان در ایران وجود دارد؛ زیرا در ایران اکثریت شیعی بر نوع حکومت، متن قوانین اساسی و قوانین داخلی دیگر و بر کرسی‌های مجلس، کاملاً نفوذ دارند. بنابراین به هم خوردن توازن جمعیتی از نظر مذهبی می‌تواند بر تمام امور فوق اثر بگذارد. این موضوع، اهمیت افزایش جمعیت را در قشر مذهبی شیعه نشان می‌دهد.

آیت‌الله مکارم در این باره قائل است: «در مناطقی که تغییر بافت جمعیتی به زیان

مسلمین یا پیروان مکتب اهل بیت^۷ باشد، باید برنامه کنترل موالید تعطیل شود» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷هـ.ج، ص ۶۲۲).

تحولات اخیر نشان‌دهنده آن است که ایران در مسیر پیشرفت قرار دارد و به سوی اقتدار منطقه‌ای و جهانی حرکت می‌کند. روند رو به رشد کشور در زمینه‌های مختلف علمی، فناوری، اقتصادی و سیاسی نشان‌دهنده نیاز کشور به افزایش جمعیت است. از این رو اجرای طرح کنترل جمعیت با توجه به وضعیت کنونی ایران جز دامن زدن به مشکلات جامعه فایده‌ای به دنبال نخواهد داشت. بنابراین باید با توجه به بیانات مقام معظم رهبری از اجرای این طرح جلوگیری به عمل آید.

توالد و تناسل از نظر اسلام

باید دید که دیدگاه اسلام درباره رشد جمعیت چیست و آیا در ضمن توصیه به کثرت جمعیت، کثرت کمی مد نظر اسلام است یا کثرت کیفی و یا هر دو؟ آیات و روایات زیادی وجود دارد که به انحاء مختلف به تولید نسل ترغیب می‌کنند. وجود این مقدار تأکید و ترغیب، کافی است تا انگیزه تولید نسل و داشتن فرزند در جامعه تقویت شود و از اجرای سیاست کنترل موالید جلوگیری به عمل آید. این آیات و روایات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱- موارد ترغیب‌کننده به ازدواج و تولید مثل
- ۲- موارد مربوط به فضایل فرزند صالح و مسأله تربیت
- ۳- موارد مربوط به کشتن اولاد

۱- ترغیب به ازدواج و تولید نسل

پیامبر^۶ فرموده‌اند: با زن زیباروی عقیم ازدواج نکنید (حر عاملی، ۱۴۰۹هـ.ج، ص ۵۴). این حدیث دلالت بر استحباب تولید مثل دارد و به اهمیت تولید نسل اشاره دارد؛ زیرا پیامبر^۶ از جمله ملاک‌های انتخاب همسر را عقیم نبودن او می‌داند. دسته‌ای از روایات به طور مستقیم سفارش به تولید نسل می‌کنند:

پیامبر^۶ فرموده است: بر تعداد اولاد بیفزایید که من فردا (قیامت) به شما امتم می‌بالم
(همان، ج ۲۱، ص ۳۵۷).

۲- فضیلت اولاد و تربیت آنها

اسلام همان طور که به کثرت اولاد ترغیب می‌کند، به تربیت آنها نیز توجه دارد. «تعلیم و تربیت، بنیان تشکیل خانواده و از مبادی تکوین جامعه است؛ از این رو نقش بسیار مهم و اثرگذاری در دیگر نهادهای اجتماعی دارد... تربیت محور انتظام اجتماعی تلقی می‌شود و ضامن بقا و سلامت جامعه است» (علم الهدی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۴).
پس مسأله تربیت در جامعه اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است. دین اسلام به تربیت فرزندان چنان اهمیتی قائل است که حتی در مورد شیری که طفل می‌خورد سفارش کرده است و دلیل آن هم این است که شیر، صفات را منتقل می‌کند.
حضرت علی^۷ می‌فرماید: بنگرید که چه کسی اولادتان را شیر می‌دهد. به راستی که صفات زن شیرده به فرزند منتقل می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲۱، ص ۴۶۶).
همان طور که شیری که به طفل داده می‌شود صفات را منتقل می‌کند، برخورد و شخصیت زن و شوهر بر روی رفتار فرزندانشان قطعاً مؤثر خواهد بود.
امام صادق^۷ فرمودند که پیامبر^۶ ایستاد در حالی که خطبه می‌خواند و فرمود ای مردم از خضراء الدمن بپرهیزید. پرسیده شد یا رسول الله خضراء الدمن چه کسی است؟ فرمود: زن زیبایی که در جایگاه بد رشد کرده است (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۴۰۳).
سخنان پیامبر^۶ نشان‌دهنده اهمیت انتخاب همسر است؛ زیرا اولاد متأثر از اخلاق والدین هستند و در نتیجه این اثرپذیری است که شخصیتشان شکل می‌گیرد. «خانواده در سایه معیارهای فرهنگی موجود و شناخت ارزش‌ها در آن برای فرزندان مشخص می‌کند که چه چیزهایی مطلوب و شایسته و چه چیزهایی نامطلوب هستند» (رحمت آبادی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۶).

به دلیل این اثرپذیری و نقش مهم تربیت دینی است که دین اسلام افراد را در انتخاب همسر و دایه تذکر می‌دهد. اسلام به دنبال تربیت افراد صالح و شایسته برای جامعه

دینی است؛ افرادی دارای عقیده اسلامی که می‌توانند در اقتدار مملکت نقش مؤثر داشته باشند. باید متذکر شویم که امروزه غرب با تعدد نسل و رشد جمعیت مخالف نیست، بلکه با رشد جمعیت مسلمان شیعی مشکل دارد. بنابراین شیعیان ایران باید توجه داشته باشند که یک ایرانی بدون عقیده اسلامی که هدفی جز سربلندی و رشد تعالی بشریت ندارد، عملاً یک عنصر خنثی و بی‌فایده خواهد بود.

با توجه به نکاتی که در مورد تربیت اولاد ذکر شد، باید گفت گرچه اسلام بر تربیت تأکید فراوان دارد، ولی نباید چنین برداشت شود که به دلیل عدم رسیدگی به تربیت فرزندان، خانواده و جامعه دچار مشکلات اخلاقی و فرهنگی می‌شوند و این مسأله دلیلی بر تقویت کنترل موالید است. چنین ایده‌ای از نظر اسلام پذیرفتنی نیست؛ زیرا پیامبر^۶ ترس از ازدواج و تولید نسل را نهی فرموده است:

«رهبانیتی در اسلام نیست ازدواج کنید به درستی که من به کثرت امتم در قیامت به خود می‌بالم» (محدث نوری، ۱۴۰۸هـ ج ۱، ص ۱۵۵).

با توجه به این سفارش‌ها می‌توان گفت که اسلام رشد کمی و کیفی را با هم مد نظر قرار داده است؛ «کثرت جمعیت و ازدیاد نفراتی که سبب عزت و شوکت و قدرت و افتخار شوند، مورد میاهات است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷هـ ص ۴۷۳).

دلیل این تأکیدها بر تربیت فرزند را می‌توان آیات و احادیثی شمرد که تصریح بر فضیلت فرزند صالح دارند.

آیاتی وجود دارد که اولاد را زینت حیات دنیوی می‌داند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست» (کهف، ۴۶).

در حدیث زیر پیامبر^۶ به فضیلت داشتن اولاد اشاره می‌کند، که دلالت بر تأثیر وجودی فرزند صالح بر روی زمین دارد، اسلام با تشویق مسلمانان به تکثیر اولاد به دنبال عزت مسلمین است فرزندان که با یک ذکرشان جهان را دگرگون می‌کنند:

«چه چیز مانع آن است که فرد مؤمن، همسر اختیار کند؟ شاید خداوند از این راه فرزندی به او ببخشد که زمین را با گفتن لا اله الا الله سنگین نماید» (حر عاملی، ۱۴۰۹هـ ج ۲۰، ص ۱۳).

شکی نیست که تکثیر نسل فی نفسه راجح است چرا که سبب کثرت تعداد مسلمین و سنگینی زمین به کلمه لا إله إلا الله می شود (انصاری شیرازی، ۱۴۲۹هـ ج ۱، ص ۱۱۰).

در نهایت با توجه به سفارش‌های مؤکد در باب ازدواج و تولید نسل و از طرف دیگر کثرت این احادیث می‌توان مطلوبیت داشتن فرزند و تکثیر اولاد را استنباط کرد. نیز با مطلق بودن این آیات مشخص می‌شود که این دستورها بر مسلمانان وارد است در هر شرایطی که باشند؛ خواه فقیر خواه متمول؛ خواه با اولاد زیاد خواه با اولاد کم و ...

۳- نهی از کشتن اولاد به خاطر فقر

بدون تردید مهم‌ترین وظیفه پدر تأمین معاش خانواده است، اما کسی نباید از تأمین معاش ترسی به دل راه دهد و به خاطر چنین ترسی اقدام به ازدواج و بعد تولید نسل نکند؛ زیرا توصیه‌های زیادی در آیات و روایات وجود دارد که دلالت بر توسعه رزق و روزی پس از ازدواج و تولید نسل می‌کنند.

از امام صادق^۷ نقل شده است که فردی نزد پیامبر^۶ آمد و از فقر و تنگدستی شکایت کرد پیامبر^۶ به او فرمود: «ازدواج کن، ازدواج کن تا روزیت توسعه یابد» (کلینی، ۱۴۰۷هـ ج ۵، ص ۳۳۰).

این سفارش پیامبر^۶ دلالت صریح دارد بر این‌که ازدواج موجب وسعت رزق می‌شود. ایشان در بیانی دیگر متذکر می‌شوند که «اگر کسی از ترس روزی ازدواج نکند، به خداوند متعال گمان بد کرده است؛ زیرا به فرموده قرآن کریم، خداوند از فضل خود درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، بی‌نیاز می‌سازد» (همان، ص ۳۳۱).

و احتمال دارد که ترغیب مردم باشد به نکاح که وسیله توانگری است چرا که از رسول خدا^۶ روایت شده که فرمود طلب کنید روزی را به وسیله نکاح» (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴هـ ج ۲، ص ۲۷۰).

آیاتی نیز متضمن این مطلب است که مبادا از ترس فقر و نادانی مرتکب قتل فرزند خود شوید. خداوند متعال در آیات زیادی مسأله حرمت قتل نفس را بیان کرده ولی به طور جداگانه حرمت قتل اولاد را به مسلمانان متذکر می‌شود:

«به یقین آن‌ها که فرزندان خود را از روی جهل و نادانی کشتند، گرفتار خسران شدند؛ [زیرا] آنچه را خدا به آن‌ها روزی داده بود، بر خود تحریم کردند» (انعام، ۱۴۰).

افرادی که به قتل اولادشان اقدام کنند، سفیه خوانده شده‌اند؛ زیرا اولاً، بدون عقل و علم اقدام به کشتن اولاد خود می‌کنند «و چه عملی سفیهانه‌تر از اقدام والدین بر ذبح فرزند و دفن کردن او زیر خاک در حالی که زنده است» (مغنیه، ۱۴۲۴هـ.ج، ۳، ص ۲۷۱).

ثانیاً، روزی‌ای را که خداوند به آن‌ها عطا فرموده بود، بر خود حرام می‌کنند. این افراد دچار خسران در دنیا و آخرت می‌شوند «خسارتشان در دنیا در قتل اولادشان و فساد حیات اجتماعی آن‌ها است و خسارت اخروی آن‌ها وحشتناک‌تر است» (همانجا).

«فرزندانتان را از ترس فقر، نکشید! ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم» (انعام، ۱۵۱).

«خداوند فرموده است: منطق شما در فرزندکشی جز این نیست که نمی‌توانید روزی آنان را فراهم کنید. این منطقی است غلط؛ زیرا شما نیستید که روزی فرزندانتان را فراهم می‌کنید، بلکه خدای متعال است که روزی ایشان و شما را می‌دهد. پس چرا می‌ترسید و از ترس، آنان را به دست خود از بین می‌برید؟ (طباطبایی، ۱۴۱۷هـ.ج، ۷، ص ۳۷۴).

کلیه آیاتی که بیان شد، دلالت بر حرمت قتل فرزند دارد؛ بزرگ باشد یا کوچک؛ دختر باشد یا پسر؛ تام الخلقه باشد یا ناقص الخلقه. پس والدین اجازه قتل فرزند خود را ندارند، به هر دلیلی که باشد و به هر طریقی که ممکن است صورت گیرد. با توجه به مطالبی که ذکر شد، مطلوبیت داشتن اولاد در اسلام به اثبات رسید و در ضمن آن بیان شد که کثرت اولادی نزد اسلام مطلوب است که به همراه تربیت صحیح باشد و فرزندانی مؤمن و متعهد به جامعه تحویل داده شوند.

کنترل موالید از نظر اسلام

مسأله کنترل موالید دارای چنان جایگاهی است که مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین باید جوانب شرعی و غیرشرعی آن از نظر فردی و اجتماعی، در نظر گرفته شود. همچنین باید از نگاه خرد به آن جلوگیری به عمل آید. بنابراین باید دید با توجه به شرایط مختلف یک جامعه، نظر اسلام

در مورد کنترل موالید چیست و آیا تکثیر نسل، در همه شرایط و احوال، مطلوب است یا این‌که استثناهایی در مورد جواز تحدید نسل هم وجود دارد؟

هر چند از منظر دینی داشتن فرزندان متعدد و تکثیر نفوس امری ممدوح و پسندیده است؛ اما رعایت برخی حدود، ضوابط و ارزش‌ها موجب می‌شود تا تولید نسل خود به خود محدود شده، از دامنه آن کاسته شود.

آیت‌الله لنکرانی قائل است: «رشد جمعیت مسلمانان مطلوب اسلام است، ولی امکان دارد در شرایط خاصی به دلیل عوارضی، اسلام با کنترل جمعیت موافق باشد» (فاضل لنکرانی، بی تا، ص ۹۰).

اما کنترل موالید دو دسته است: فردی و جمعی، در مورد کنترل نسل فردی باید گفت که از جانب اسلام ممنوعیتی دیده نشده است، در هر شرایطی که باشد؛ اما کنترل نسل جمعی باید در شرایط خاص صورت پذیرد. «کنترل موالید جمعی یا نوعی اگر به معنای توقف نسل در زمانی که به حد معینی رسید، باشد، هیچ کلامی در حرمت شرعی آن نیست؛ چرا که موجب انقراض نسل بعد از آن مدت می‌شود. اما اگر تحدید فردی باشد یا نوعی به معنای منع حمل در موقعیتی از زمان، دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد» (حسینی روحانی، بی تا، ص ۲۰۲).

در این زمینه روایاتی هم وجود دارد که بر رجحان تقلیل نسل دلالت دارند: «فقر، موت اکبر است و کمی عیال یکی از دو راحتی است و اندازه نگه داشتن، نصف معیشت است و کسی که میانه روی داشته باشد نیازمند نخواهد شد» (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ ج ۱۰۱، ص ۷۱).

این روایت مربوط است به تقلیل و تحدید نسل فردی و دلالت دارد بر این‌که در صورت فقر، کمی عیال - که شامل زن و فرزند می‌شود - موجب راحتی است و کسی که در مسائل زندگی میانه‌رو باشد، هیچ وقت نیازمند نخواهد بود. با توجه به این روایت تحدید اولاد در خانواده ممدوح است، در صورتی که فقر بر خانواده حاکم شود.

حال باید دید در چه صورتی حکم به جواز کنترل نسل در سطح جامعه داده می‌شود و تشخیص ضرورت آن بر عهده کیست و آیا این حکم به صورت دائمی است یا موقت؟ با توجه به نظرات فقها تکثیر نسل مسلمین فی‌نفسه راجح است؛ ولی ممکن است در

بعضی از حالات به عنوان حکم ثانوی مرجوح باشد. مثلاً اگر به سبب ضرورت یا از راه‌های قطعی ثابت شود که کثرت نسل در بعضی از زمان‌ها موجب فقر و جهل، تنبلی و مشکلات اجتماعی می‌شود، در این هنگام به صورت موقت رفع ید از غرض اصلی می‌شود. این‌جا دو ملاک شرعی با هم تزامم پیدا می‌کنند. پس ملاک اهم یعنی تحدید نسل به معنای تقلیل در تولید مثل، مقدم می‌شود (نصاری شیرازی، ۱۴۲۹ هـ ج ۱، ص ۱۱۳).

در مورد مرجعی که ضرورت کنترل را تشخیص می‌دهد، چند قول وجود دارد:

الف - عده‌ای نظر اهل خبره را در این زمینه شرط می‌دانند و قائل هستند که اگر اهل خبره تشخیص دهند حکم به جواز کنترل موالید صادر می‌شود:

«اگر اهل خبره - به شرط این‌که مسلمان، مورد اطمینان و اعتماد باشند - شهادت دهند به این‌که ازدیاد نفوس موجب یکی از مشاکل بزرگ فقر و جهل می‌شود، در این هنگام تقلیل موالید و تحدید نسل موقت، به خاطر از بین بردن مشکلات اقتصادی و اجتماعی، ترجیح دارد» (نصاری شیرازی، ۱۴۲۹ هـ ج ۱، ص ۱۲۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ هـ ص ۷۵).

ب - عده‌ای دیگر قائل هستند که این مسأله جزو مصالحی است که تشخیص آن بر عهده ولی فقیه است و اگر ولی فقیه دستور بدهد، اجرای آن الزامی است:

«حاکم دولت اسلامی بر همه امور ولایت دارد و اگر تشخیص به لزوم کنترل جمعیت دهد و دستور صادر کند، اطاعت بر مردم واجب است. البته حکم حاکم مبتنی بر مصالح و مفاسد لزوم‌آور موجود است و اگر آن مصالح و مفاسد تغییر کند، دوباره کنترل جمعیت حکم اولی خود را پیدا می‌کند» (خرازی، بی تا، ج ۲۱، ص ۵۸).

آیت‌الله نوری همدانی نیز قائل است: «اگر والی دید که در صورت کثرت جمعیت اداره آن مشکل می‌شود و ناچار باید آن را تقلیل و تحدید کرد... این‌جاست که ولی فقیه در صورتی که ضرورت و مصلحت اقتضا کند، می‌تواند به تنظیم و تحدید نسل اقدام کند» (نوری همدانی، بی تا، ج ۳۳، ص ۲۸).

آیت‌الله فاضل لنکرانی: «اگر ولی امر مسلمین محدود کردن نسل را به طریق الزام افراد بر آن، لازم بدانند و بر آن حکم کنند، در همان محدوده‌ای که ولی امر حکم می‌کند، الزام به جلوگیری جایز، بلکه واجب می‌باشد» (فاضل لنکرانی، بی تا، ص ۹۰).

در کنار این نظرات باید اشاره کرد که در قواعد فقهی، ملاک عمل، نظر ولی فقیه است نه نظر اهل خبره و از آنجا که مسأله کنترل موالید از این موارد محسوب می‌شود، نظر دوم مورد قبول است و مسأله کنترل جمعیت جزو احکام حکومتی است که از طرف ولی فقیه و در شرایطی که ایشان تشخیص دهد، صادر می‌شود و دولت اسلامی در این باره باید مطابق با نظر رهبری اقدام کند و هر گونه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی باید مطابق با نظر ایشان باشد. بنابراین فقط در صورت وجود شرایط خاص و تحت نظارت ولی فقیه، اجرای سیاست کنترل جمعیت جایز است و الا در صورت اعمال خودسرانه چنین سیاستی از جانب مسؤولان، عمل به آن از جانب مردم الزامی نیست و دولت حق ملزم ساختن مردم را ندارد.

نظر فقهای ایران درباره کنترل موالید

با توجه به شرایط اقتصادی - اجتماعی ایران، نظرات مختلفی، در مورد کنترل موالید، از جانب فقها صادر شده است که ضرورت دارد به این نظرات پرداخته شود.

۱- مخالفان سیاست کنترل موالید

برخی از فقها با هر گونه کنترل و تحدید نسل در کشور مخالف هستند: همان طور که قبلاً ذکر شد، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مخالف این طرح هستند. آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز با سیاست کنترل جمعیت مخالف است؛ زیرا این برنامه را از سوی استعمارگران برای تقلیل نسل فرزندان اسلام می‌داند. ایشان معتقد است: جلوگیری از بارداری از دیدگاه فرهنگ دینی که بر فراوانی نسل مسلمان و شیعیان تأکید فراوان می‌ورزد، قابل توجیه نیست. بهانه‌های واهی مانند مشکلات اقتصادی، تربیتی و ناهنجاری‌های اخلاقی و روانی در این ارتباط، علمی و منطبق با واقع نیست. هرگز بعید نیست که احتمال دهیم این شعارها از سوی استعمارگران برای تقلیل نسل فرزندان اسلام است. ما معتقدیم اگر تقسیم ثروت و امکانات جامعه با برنامه‌ریزی صحیح و بر اساس عدالت اسلامی صورت گیرد، امکانات و منابع فعلی پاسخ‌گوی کامل نیازهای جمعیت جهان

و بیشتر از آن هم خواهد بود... لازمه تحقق چنین مطلوبی، تدبیر شایسته و برگرفته از متن شریعت اسلامی است. البته اسلام با نگرش خویش به جلوگیری از بارداری به عنوان ثانوی در هنگام پدید آمدن مشکلاتی برای این امر، راههایی را قرار داده است (فاضل/نکرانی، بی تا، ص ۱۴-۱۵).

طبق نظر ایشان، اگر کنترل نسل مطابق با نظر اسلام باشد، جایز و پسندیده است. به بیانی دیگر چون این طرح اساساً از سوی دول غربی صادر شده است و مطابق با دستوره‌های اسلامی نیست، اجرای چنین طرحی در ایران جایز نیست. آیت‌الله سبحانی نیز مخالف این طرح است و آن را گناه می‌داند: «در شرایط کنونی نیز محدود کردن نسل خلاف شرع و گناه است. این کار به صلاح مملکت نیست و باید بدانیم که نابه‌ها در میان همین جمعیت زیاد پیدا می‌شوند»^۱.

برای صحه گذاشتن بر قول آیت‌الله سبحانی لازم است به بررسی‌هایی که دکتر شهرام یزدانی^۲ در مورد رابطه کنترل مولید و ضریب هوشی داشته است، اشاره شود: بررسی‌های متعدد ارتباط بین هوش و تحصیلات و همچنین ارتباط میان تحصیلات و تبعیت از سیاست‌های کنترل مولید را به اثبات رسانده است. ضریب هوشی متوسط ۲۰ درصد پرهوش جامعه حدود ۸۵ می‌باشد. اگر فرض کنیم که میزان زاد و ولد در گروه کم‌هوش جامعه تنها ۳۰ درصد بیش از میانگین جامعه و میزان زاد و ولد در گروه پرهوش جامعه ۳۰ درصد کمتر از میانگین جامعه باشد، میانگین ضریب هوشی نسل دوم از محاسبه زیر به دست می‌آید: $(x1,3 \times 85) + (0,6 \times 100) + (0,2 \times 0,7 \times 115) = 98,80,2$

به این ترتیب می‌توان انتظار داشت که میانگین ضریب هوشی هر نسل ۱/۲ امتیاز از میانگین ضریب هوشی نسل قبل کمتر شود (www.asriran.com).

با توجه به این نظریه می‌توان به قطع بیان کرد که نه تنها کنترل مولید کمکی در زمینه مشکلات اقتصادی به جامعه نمی‌کند، بلکه به مشکلات دامن می‌زند.

^۱-www.sobhani.ir

۲- موافقان سیاست کنترل موالید با توجه به شرایط خاص

گروهی نیز نیاز به تحدید نسل را متوقف به شرایط خاص و نظر اهل خبره می‌دانند و در صورت ضرورت جایز می‌دانند.

آیت‌الله مکارم بدون اشاره به حواشی بحث کنترل جمعیت، به نظر اهل خبره تکیه کرده است: «در مواردی که به تشخیص اهل خبره، کنترل جمعیت ضرورت داشته باشد، برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود، ذاتاً مجاز است؛ ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد، تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹هـ. ص ۶۵).

حجت‌الاسلام محمدرضا زیبایی‌نژاد، مسؤول دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، با اشاره به این‌که غلبه نگاه خرد یکی از چالش‌ها در نگاه‌های فقهی است، نظرات مثبت فقها را درباره طرح کنترل جمعیت به چالش می‌کشد و می‌گوید:

به دلیل آن‌که فقه‌پژوهان غالباً نگاهی خرد به موضوعات دارند، در معرض این خطا هستند که احکام موضوعات خرد را بر موضوعات کلان نیز جاری سازند. فقیه در بحث از تنظیم خانواده در این فرض که انتخاب روش پیشگیری مستلزم محرم نباشد، آن را امری مباح (به معنی اعم) می‌داند؛ اما کنترل جمعیت در مقیاس کلان دارای پیامدهای مختلفی است. پیامد سیاسی کاهش موالید، تغییر نسبت جمعیتی مذاهب در بعد داخلی و ادیان در مقیاس بین‌المللی است و پیامد اجتماعی آن، احتمال افزایش آسیب‌های اجتماعی، پیامد اقتصادی تحدید نسل، کمبود نیروی کار به دلیل پیری جمعیت، پیامد بهداشتی آن کاهش برخی ضایعات و احتمال افزایش برخی بیماری‌ها، پیامد اخلاقی و اعتقادی آن تحول در اخلاق جنسی و تغییر نگرش به رزاقیت خداوند، و پیامد تربیتی آن ظهور نسلی فردگراست که دارای ضعف‌هایی در جامعه‌پذیری خواهد بود.^۱

اگر دولت اسلامی بخواهد طرح کنترل جمعیت را در سطح کلان اجرا سازد، جامعه را با چنین پیامدهایی روبرو می‌سازد. بنابراین نمی‌توان اجرای این برنامه را از سوی دولت

۱- www.hawzahnews.com

اسلامی جایز دانست. پس باید به نظر مقام معظم رهبری توجه شود که با دیدی عمیق به این مسأله نظر کرده و صراحتاً مخالفت نموده‌اند. این در حالی است که مسؤولان نظام به این نکات توجه نداشته، همچنان به تشویق افراد جامعه به کنترل موالید ادامه می‌دهند.

روش‌های کنترل موالید و نظر فقهای اسلام در مورد آن

همان طور که قبلاً اشاره شد، کنترل موالید دو نوع است: جمعی و فردی. در مورد کنترل نسل فردی اختلافی وجود ندارد که این عمل جایز است. حال باید گفت برای کنترل تولید مثل روش‌های مختلفی وجود دارد و فقهای اسلام برای جایز بودن هر یک از آن‌ها شرایطی را قائل شده‌اند؛ به طوری که بعضی از این روش‌ها را حرام می‌دانند، بعضی را مستلزم حرام می‌دانند و بعضی را در صورت ضرر رساندن حرام می‌دانند. در این قسمت به ذکر شایع‌ترین روش‌ها می‌پردازیم.

۱- مصرف کردن دارو

در این روش، شخص با خوردن دارویی مانع انعقاد نطفه می‌شود. استفاده از این روش را به دو شرط مضر نبودن و رضایت همسر جایز دانسته‌اند: «استفاده از داروهایی که از طریق عضلانی تزریق می‌شوند، و برای مدت معینی اثرات ضد حاملگی دارند، در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشند، و همسر راضی باشد، مانعی ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ هـ ص ۶۷).

۲- عزل

فقها، بدون اختلاف، در بعضی از موارد مثل امه، عقد منقطع و حره دائمی با رضایتش، حکم به جواز عزل - به معنای خالی کردن منی خارج از قبل حین جماع - داده‌اند، محل کلام تنها در مورد حره دائمی است که رضایت ندارد. مسأله این است که آیا زوج در این مورد می‌تواند عزل کند؟

این مسأله اختلافی است؛ مشهور قائل به جواز مع الکراهه است؛ اما عده‌ای از قداما مثل

شیخ طوسی و شیخ مفید و... قائل به حرمت شده‌اند و حتی گفته‌اند که دیه هم دارد. شیخ طوسی این گونه بیان می‌کند: «عزل از حره جایز نیست، مگر با رضایتش و الا مرتکب معصیت شده است و ده دینار باید دیه بپردازد» (طوسی، ۱۴۰۷هـ ج ۴، ص ۳۵۹). «مشهور قائل به کراهت هستند، مگر در صورت اذن زوجه» (حلی، ۱۴۱۳هـ ج ۷، ص ۱۱۲). در پایان این قسمت باید متذکر شد که عزل، ضررهایی را بر مرد و زن وارد می‌کند، از جمله این که «درباره مرد موجب کسالت اعصاب می‌شود و در اثر تکرار به حدی می‌رسد که درمانش صعب می‌گردد، درباره زن موجب پیدایش مرضی در رحم به نام غده فیبرم و احیاناً سرطان رحم می‌شود» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵هـ ص ۳۹). پس با توجه به این که فقها قائل هستند استفاده از روش‌های جلوگیری جایز است مگر در صورتی که ضرری وارد شود، می‌توان گفت عزل نیز به سبب در پی داشتن چنین آسیبهایی جایز نیست.

۳- بستن لوله

بستن لوله یا از طریق گذاشتن مانع داخل رحم صورت می‌گیرد که به صورت موقت است و یا از طریق عمل وازکتومی (یعنی بستن لوله‌ها در مرد) و توبکتومی (بستن لوله‌های رحم در زنان) که معمولاً این عمل موجب عقیم شدن دائمی می‌شود. اکثر مراجع قائل هستند به این که چون معمولاً عمل بستن لوله، موجب عقیم شدن دائمی می‌شود، حرام است مگر در صورت شرایطی. «وازکتومی در صورتی که طبق نظر متخصصان مورد اعتماد، ضرورت فردی یا اجتماعی اقتضا کند، مانعی ندارد؛ و الا جایز نیست و عمل توبکتومی اگر موجب عقیم شدن دائم شود، اشکال دارد؛ ولی در صورتی که خطری از ناحیه بارداری متوجه مادر باشد، مانعی ندارد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹هـ ص ۶۷).

پس بنا به نظر فقها بستن لوله‌ها در صورتی جایز است که موجب عقیم شدن نباشد؛ ولی برای این مسأله اشکالی ذکر شده است که اگر این عمل مستلزم حرام شود، اکثر علما قائل به حرمت هستند.

۴- اسقاط جنین

بعد از آن که نطفه در محل خود قرار گرفت، سقط آن حرام است. در تمام مراتب جنین (نطفه، علقه و مضغه) استخوان‌بندی شده باشد، تمام بدن تکمیل شده باشد، روح داخل شده باشد یا داخل نشده باشد، حرام است. تنها مقدار دیه هر کدام با یکدیگر فرق دارد. گروهی قائل هستند که «سقط جنین فقط در صورت اضطرار و قبل از ولوج روح جایز است» (حسینی حائری، بی تا، ص ۲۲۷).

تاکنون روش‌های ذکر شده و احکام آن در مورد تحدید نسل فردی بود؛ حال اگر کنترل جمعیت به صورت الزامی در جامعه صورت گیرد، آیا استفاده از روش‌های ذکر شده جایز است؟ اکثر مراجع قائل هستند که در این صورت باید از روش‌ها و وسائل مشروع استفاده کرد.

آیت‌الله فاضل لنکرانی: «در شرایطی که حکومت اسلامی مصلحت جامعه را در کنترل جمعیت و تنظیم خانواده تشخیص دهد، فقط می‌تواند جامعه را به کنترل جمعیت از راه‌های حلال تشویق نماید؛ ولی نمی‌تواند از راه‌های حرام مانند سقط جنین استفاده کند و یا مردم را ملزم به جلوگیری نماید» (فاضل لنکرانی، بی تا، ص ۹۰).

آیت‌الله مکارم: «در مواردی که طبق تشخیص اهل خبره متعهد، کنترل جمعیت ضروری باشد، باید از وسایل مشروع استفاده کرد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷هـ ج ۱، ص ۴۶۲).
آیت‌الله صافی گلپایگانی: «اگر پزشکی از طرف دولت موظف شود برای کنترل موالید که مردان و زنان را عقیم سازد، چنین عملی جایز نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۵هـ ص ۸۷).

روش‌های مدیریت جمعیت

رشد موالید باید دارای اصولی باشد و لازم است قبل از توصیه به رشد موالید با به کارگیری فرهنگ صحیح و اشاعه آن در راستای بهبود وضعیت تربیت در خانواده‌ها و همچنین مسأله امرار معاش در جامعه کوشید.

حکومت اسلامی می‌تواند متناسب با شرایط و نیازهای خود، به جای ترغیب افراد به سمت کاهش جمعیت با برنامه‌ریزی درست، مسأله کنترل جمعیت و مسائل وابسته به آن

را مدیریت کند و باید راهکارهایی تنظیم کند که به موجب این راهکارها موالید در جامعه به شکلی پیش برود که مردم از اضافه شدن تعداد افراد خانواده‌شان وحشت نداشته باشند و به نحوی باشد که افزایش تعداد موالید از حالت منطقی خارج نشود. از این رو لازم است چندین برنامه را در رأس فعالیت‌های خود بگنجانند:

الف- اهتمام شدید به کار و کوشش جدی برای بهره‌برداری‌های صحیح از منابع و معادن طبیعی در صورت امکان؛

ب- جلوگیری جدی از اسراف و تبذیر و تجملات نابخردانه که موجب استهلاک و نابودی مواد و وسایل معیشت مردم می‌شود.

ج- توزیع عادلانه امکانات اقتصادی در مناطق شهری و روستایی؛

د- بررسی و توجه به مسأله اخلاق در کنار پیشرفت‌های علمی در عرصه‌های مختلف تا جامعه از مسیر درست انسانیت خارج نشود.

هـ- سرمایه‌گذاری در راستای پرورش و تربیت انسان‌های متعهد، کاردان و متخصص در صنایع و علوم مختلف؛

و- تسهیل شرایط ازدواج و پایین آوردن سن ازدواج که در پی آن جمعیت پویای کشور در شرایط سنی متوسط قرار گیرند.

ز- کاستن عوامل اصلی کاهش جمعیت از جمله تبلیغات گسترده بر ضد فرزند متعدد، قوانین دست و پا گیر مثل بیمه نشدن فرزندان چهارم به بالا و...

یافته‌های پژوهش

۱- سیاست‌های کنترل جمعیت، شامل مجموعه اهدافی است که با افزایش یا کاهش جمعیت ارتباط دارد و هدف آن کاهش میزان رشد طبیعی جمعیت در کشورهای اسلامی است.

۲- با توجه به سفارش‌های مؤکد در باب ازدواج و تولید نسل و کثرت این احادیث، می‌توان مطلوبیت داشتن فرزند و تکثیر اولاد را استنباط کرد.

۳- با توجه به بهم خوردن تعادل جمعیت شیعه و سنی و کاهش روز افزون جمعیت ایران باید قائل به کثرت جمعیت شد و به جای توجه مردم به روش‌های کنترل باید

روش‌های تربیت صحیح را در جامعه ترویج کرد. چرا که توصیه اسلام به کثرت جمعیت توجه به کمیت و کیفیت با هم بوده است.

۴- رشد موالد باید دارای اصولی باشد و لازم است قبل از توصیه به رشد موالد با به کارگیری فرهنگ صحیح و اشاعه آن در راستای بهبودی وضعیت تربیت در خانواده‌ها و همچنین مسأله امرار معاش در جامعه کوشید.

منابع و مأخذ

- ✓ قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی
- ✓ انصاری شیرازی، قدرت‌الله و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار، *موسوعه احکام الأطفال و أدلتها*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۹هـ چاپ اول
- ✓ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹هـ چاپ اول
- ✓ حسینی جرجانی، سید ابوالفتوح، *آیات الاحکام*، تهران، نوید، ۱۴۰۴هـ چاپ اول
- ✓ حسینی حائری، سید کاظم، *الفتاوی‌المنتخبه*، قم، بی‌تا، چاپ اول
- ✓ حسینی روحانی قمی، سید صادق، *المسائل المستحدثه*، بی‌جا، بی‌تا
- ✓ حسینی طهرانی، سید محمد حسین، *رساله نکاحیه (کاهش جمعیت ضربه‌ای سه‌مگین بر پیکر مسلمین)*، مشهد، مؤسسه تنظیم و نشر دوره علوم و معارف اسلام، ۱۴۲۵هـ چاپ دوم
- ✓ خرازی، سید محسن، «کنترل جمعیت و عقیم‌سازی»، مجله فقه اهل بیت ۷، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت ۷، قم، بی‌تا، چاپ اول
- ✓ رحمت آبادی، اعظم، «بررسی شیوه‌های موثر و کارآمد ترویج فرهنگ حجاب و عفاف»، مقالات برگزیده دومین همایش جهانی زنان، تهران، معاونت فرهنگی، ۱۳۸۸
- ✓ صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *استفتائات پزشکی*، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵هـ چاپ اول
- ✓ طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷هـ چاپ پنجم
- ✓ طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵، چاپ چهارم
- ✓ _____، *الخلاص*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷هـ چاپ اول

- ✓ حلی، حسن بن یوسف، *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳هـ چاپ دوم
- ✓ علم الهدی، جمیله، «*نظریه اسلامی تعلیم و تربیت*»، تهران، دانشگاه امام صادق^ع، ۱۳۸۸، چاپ اول
- ✓ عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*، تهران، امیر کبیر، ۱۴۲۱هـ چاپ چهارم
- ✓ فاضل موحدی لنکرانی، محمد، *احکام پزشکان و بیماران*، بی جا، بی تا
- ✓ کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷هـ چاپ چهارم
- ✓ مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴هـ
- ✓ محدث نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ چاپ اول
- ✓ مکارم شیرازی، ناصر، *احکام پزشکی*، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب^ع، ۱۴۲۹هـ چاپ اول
- ✓ _____ *دائرة المعارف فقه مقارن*، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب^ع، ۱۴۲۷هـ چاپ اول
- ✓ _____ *استفتاءات جدید*، قم، نشر مدرسه امام علی بن ابی طالب^ع، ۱۴۲۷هـ چاپ دوم
- ✓ مغنیه، محمد جواد، *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۲۴هـ چاپ اول
- ✓ نوری همدانی، حسین، «*کنترل جمعیت*»، مجله فقه اهل بیت^ع (فارسی)، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت^ع، قم، بی تا، چاپ اول

پایگاه‌های الکترونیکی

- ✓ <http://www.asiran.com>
- ✓ <http://www.hawzahnews.com>
- ✓ <http://www.leader.ir>: استفتائات
- ✓ <http://www.۵۹۸.ir>: پایگاه تحلیل خبری
- ✓ <http://www.sobhani.ir>

Culture of Birth control at Jurisprudential and socially

Faezeh azimzadeh ardbili^{1*} , Ensieh khodaei²

Email: Azimzadeh@isuw.ac.ir

Email: e²khodaei@yahoo.com

Abstract

Policy of population control programs that were raised by western governments and it was attention recently ducts legislative, an advertising executive and a major part of the country. Since this proposal is contrary to the orders of Islam therefore it is necessary to be studied topics of birth control from the angle of religious due to the reasons and Islamic texts. The basic issue is whether Islam advises to the plurality of population considering the quantity diversity or qualitatively and what opinion have muslim jurists about that birth control and whether implementation the project is permitted in Iran considering the current situation? in this article we tried to have answered this question by examining the verses and narrations and appreciation of shia jurists. Ultimately, the result is islam recommendations of a plurality of birth was according to both quantitative and qualitative and the theory of population control is not accepted in iran and it is recommended instead of encouraging people to methods of prevention, be taught proper training methods in the society until the society to become into a powerful and efficient.

Keywords: Birth control, verse, narratives ,jurisprudence Shia, control and management methods

¹. Corresponding author: Research Assistant and Assistant Professor Imam Sadiq(AS) University unit Sisters

². Graduate student Jurisprudence and Islamic Law Ilam University

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.